

فارن پالسی پیش نشست آلمانی گزارش داد
یک گفت‌وگو؛ بداهه ایرانی-آمریکایی

مارک لینچ، استاد علوم سیاسی و امور بین الملل دانشگاه جورج واشنگتن در یادداشتی برای فارن پالسی از شکل گیری مذاکرات بداهه میان دو تن از مقامات ارشد و سابق ایران و آمریکا طی کنفرانسی در ایالت مین آمریکا خبر داده و تاکید دارد مذاکرات آلمانی نیز می تواند پایه گذار مذاکرات آتی ایران و آمریکا باشد.

تاریخ: ۰۸ اسفند ۱۳۹۱ - ۱۳:۳۹

کد خبر: ۱۴۲۶۱۷



فرارو- مارک لینچ، استاد علوم سیاسی و امور بین الملل دانشگاه جورج واشنگتن در یادداشتی برای فارن پالسی از شکل گیری مذاکرات بداهه میان دو تن از مقامات ارشد و سابق ایران و آمریکا طی کنفرانسی در ایالت مین آمریکا خبر داده و تاکید دارد مذاکرات آلمانی نیز می تواند پایه گذار مذاکرات آتی ایران و آمریکا باشد.

به گزارش سرویس بین الملل فرارو به نقل از فارن پالسی، لینچ در این یادداشت می نویسد: مذاکرات ایران و گروه ۵+۱ در مورد برنامه هسته ای جمهوری اسلامی امروز پس از هشت ماه از سر گرفته می شود. بازی انتظار از طرف مقابل، از یک طرف به طرف دیگر در نوسان است؛ مقامات آمریکایی و ایران هر یک بر خواسته های خود تاکید دارند. چندان انتظار نمی رود که پیشرفت غیرمنتظره ای در این زمینه صورت گیرد اما این امید وجود دارد که مذاکرات آلمانی بنیان مذاکرات منظم و مداوم در مورد مسائل مهم یا حتی مذاکرات مستقیم میان ایران و آمریکا را پایه ریزی کند.

لینچ در ادامه یادداشت خود می نویسد: نمی دانم در آلمانی چه اتفاقی خواهد افتاد اما طی کنفرانس کامدن در ایالت مین دستکم به بررسی شکل احتمالی مذاکراتی که ممکن است میان ایران و آمریکا صورت گیرد پرداختم. این بررسی، نتایج چندان دلچسپی نداشت اما برای بیان شکاف مفهومی عمیقی که میان دو طرف وجود دارد مفید بود و نشان داد که هرگونه مذاکره ای باید پس از پل زدن از روی این شکاف صورت گیرد.

این بازبینی و بررسی در پایان روز نخست کنفرانس صورت گرفت. شای فلدمن، متخصص طرح های هسته ای اسرائیل،

رئیس سابق دانشکده مطالعات استراتژی دانشگاه جافا (Jaffa) در تل آویو و مدیر مطالعات خاورمیانه دانشگاه برن دیز نخست گزارش مفصل و پیچیده ای از تفکر استراتژیک اسرائیل در مورد ایران ارائه کرد. پس از سخنرانی وی، حسین موسویان، دیپلمات و مذاکره کننده ارشد هسته ای سابق ایران که هم اکنون در دانشگاه پرینستون به عنوان پژوهشگر فعالیت می کند، معیارهای ایران از سوءظن ناموجه بین المللی و فشارهای غیرمشروع بین المللی را شرح داد.

در ادامه شخصی که به روی صحنه آمد نیکلاس برنز، معاون سابق وزیر امور خارجه بود که در حال حاضر استاد دانشگاه هاروارد است و نقش مهمی را در سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران داشته است. برنز پس از صحبت های موسویان طی پرسش و پاسخی که صورت گرفت، به هیچ وجه نتوانست بخش های معینی از روایت ایران را از قلم بیاندارد.

آنچه در ادامه صورت گرفت، یک تعامل عمومی نادر و آشکار میان دو مقام ارشد بازنشسته بود که نقش مهمی را در سیاست های کشورشان داشتند اما به ندرت فرصتی برای تقابل رسمی شان ایجاد شد. برنز با ادعای حمایت ایران از تروریسم و اجماع بین المللی در مورد اهداف هسته ای ایران، موسویان را به چالش کشید و موسویان از تاثیر تحریم ها، فرضیات اساسی تمرکز بر برنامه هسته ای ایران و حق مسلم ایران در استفاده صلح آمیز انرژی هسته ای و غنی سازی گفت.

موسویان ابراز تعجب کرد که چرا غرب تا این حد نسبت به ایران بی اعتماد است؛ برنز در پاسخ مدعی شد که شاید دلیل این امر عدم صداقت کامل ایران در مورد فعالیت های هسته ای خود باشد. در این میان یکی از مخاطبان این سوال را مطرح کرد که آمریکا چگونه هزینه انسانی تحریم هایی که بر مردم ایران وارد می شود را توجیه خواهد کرد و برنز پاسخ داد اگر ایران با جامعه بین المللی معامله نمی کند، جز تحریم چه جایگزین دیگری برای جنگ وجود دارد؛ این پاسخ باعث شد تعداد قابل توجهی از مخاطبان وی را هو کردند.

سوالاتی که یکی از مخاطبان پرسید متوجه هر دو طرف بحث بوده و هر دو را به چالش کشید: در شرایطی که حتی یک مورد توافق شده میان دو طرف وجود ندارد، چگونه می توان به حل این مسئله امیدوار بود؟

این مشکل در هر درگیری قطبی شده ای وجود دارد و در تئوری چانه زنی چندان هم جدید نیست. اما این ارزش را دارد که یادآوری شده و به آن پرداخته شود.

مارک لینچ در ادامه می نویسد: مسائل اصلی که در مسیر توافق در مورد برنامه هسته ای ایران وجود دارند، به اندازه کافی دلهره آور هستند: مسائل مربوط به بررسی و زمانبندی؛ نگرانی و خواسته های بازیگران منطقه ای مانند ترکیه، اسرائیل و کشورهای حوزه خلیج فارس؛ حق ایران در غنی سازی اورانیوم؛ و سوال اصلی در مورد اینکه آیا ایران یا آمریکا واقعاً خواستار معامله هستند و یا قادرند در مورد آن به توافق برسند یا آن را اجرایی کنند. اگر واقعاً آمیدی به توافق و معامله باشد، بنابراین پیش مذاکرات باید آغاز شوند.

لینچ تاکید می کند: مسلماً این نخستین بار نیست که چنین تبادلی نظریاتی میان مقامات ایران و آمریکا صورت گرفته، بنابراین نباید در مورد آن مبالغه کرد. اما برنز پس از کنفرانس کادمن گفت که این کنفرانس را می توان دور گشایشی مذاکرات مستقیم ایران و آمریکا دانست- به خصوص اگر این مذاکرات به صورت عمومی انجام شوند. این مذاکرات بیشتر بیانگر عدم توافق دو طرف بود تا اجماع نظرشان و تقریباً ذهنیت کسی را تغییر نداد... با این حال می توان آن را نخستین گام قطعی در این زمینه دانست.